

بررسی نظم آهنگ هجده سوره از قرآن کریم

ابوالفضل خوشمنش^۱

چکیده

زبان در حالت عام آن و قرآن کریم به مثابه یک زبان خاص، دارای ماهیتی سمعی و شنیداری است. پیدایی و شکل‌گیری و نیز فراگیری زبان به‌طور طبیعی، در تاریخ بشری و اتصال نسل‌ها، شیوه‌ای شنیداری داشته و دارد. هر زبان نیز آوا و آهنگ خاص خود را دارد که در بسیاری از موارد، تناسب لفظ و معنا در آن‌ها قابل تعقیب و بررسی است. در زبان قرآن نیز چنین حالتی وجود دارد و این زبان به دلیل توحیدی و الهی‌بودن، تابع نظم در زمینه‌های مختلف و از جمله تناسب و اتلاف لفظ و معنا یا همان نظم آهنگ است. از همین رو، بررسی این جنبه از زبان دارای اهمیت و فواید قابل توجهی است. مقاله حاضر، این نظم و هماهنگی را در هجده سوره از قرآن کریم بررسی کرده است. موضوع اتلاف لفظ، ریشه در ساخت انواع زبان‌ها و فطرت بشری دارد. مقاله به نمونه‌هایی از نظم و نثر فارسی را از همین زاویه توجه کرده و کوشیده است نمونه‌هایی تطبیقی را از الفاظ و عبارات برخی زبان‌های جهان ارائه دهد.

واژه‌های کلیدی

زبان، زبان قرآن، نظم آهنگ، اتلاف لفظ و معنا، آوامعنايي قرآن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی علوم انسانی

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۴/۰۹

Email: khoshmanesh@utac.ir

۱. استادیار دانشگاه تهران

❖ مقدمه

نظم آهنگ متشکل از دو واژه نظم و آهنگ و مراد از آن، آهنگی است که از نظم و چینش حکیمانه و حساب شده حروف پدید می‌آید؛ چندان که سخن را شیوه‌ای شیوا و روان می‌بخشد و در مجالی که آوای حروف اجازه می‌دهد، با معنای سخن ارتباط و تعاملی هم‌افزا می‌یابد. نظم آهنگ قرآن، سخن آن را در مجراهای ذهن و زبان، سیال و اثر آن را ماندگار می‌سازد. این نظم آهنگ اختصاص به بخش خاصی از قرآن کریم ندارد، اما حضور و اثر آن عموماً در سوره‌های مکی که بیشتر در بخش پایانی قرآن (حزب مفصل از ق تا ناس) قرار گرفته‌اند، مشهودتر از بخش‌های دیگر است.

باید گفت آنچه تاکنون در زمینه قرآن انجام شده، در مقایسه با جایگاه قرآن و جلوه‌های فنی و هنری آن، اندک و ناچیز است؛ بلکه در زبان‌های مختلفی نظیر زبان‌های فارسی، عربی و فرانسوی، شمار آثار نگاشته شده دربارهٔ نظم آهنگ و موسیقی نظم و نثر آن زبان‌ها، بیشتر از مجموع مطالعاتی است که با این رویکرد در خصوص قرآن صورت گرفته است.^۱ همچنین و از سوی دیگر، در حال حاضر زمینه‌های تحلیل و تعلیل نظم آهنگ قرآن، به‌خصوص با آلات و اسالیب نوین بسیار وسیع است که به آن نیز باید توجه کافی کرد.

پرسش اصلی ما دربارهٔ چگونگی ارتباط لفظ و معنا در قرآن کریم است که این پرسش، خود پرسش‌های دیگری را پیش روی ما قرار می‌داد:

- نظم آهنگ سخن و موسیقی کلام چیست؟

- این موضوع چه جایگاهی در زبان منطوق و مکتوب انسان‌ها داشته و دارد و نمونه‌های ملموس آن کدام‌اند؟

- آیا در آیات و سوره قرآن چنین نظمی وجود دارد؟

۱. از برخی بررسی‌های مورد اشاره، می‌توان این موارد را ذکر کرد: الخفاجی، البنى اسلوبية فى سورة الشعراء، ۲۰۱۲؛ الخلیشى، ترجمة النص العربى القديم و تأويله عند ریجیس بلاشر، ۱۴۳۱؛ فورر و لائوبر، آکوستیک در معماری، ترجمه غلامعلی لیاقتی، ۱۳۵۶؛ مقاله دکتر عبدالرحمان الحاج صالح از دانشگاه الجزایر: المدرسة الخلیلیة الحديثة و الدراسات اللسانية الحالية فى العالم العربی؛

Dell, *Forme sonore du langage-Structure des représentations en phonologie*, 1984; Galichet, *Physiologie de la langue française*, 1967; Kristeva, *La révolution du langage poétique*, 1974; Nattiez, *La musique, les images et les mots - Du bon et du moins bon usage des métaphores dans l'esthétique comparée*, 2010; P. Bouton, *Discours physique du langage*. Rivière, Philipe; Danchin, *Linguistique et culture nouvelle*, 1971.

مراد از نظم آهنگ

از نظم آهنگ به «آوامعنايي» معادل واژه فرانسوی «فونوسمانتیک»^۱، «واژ آهنگ» و «متن آهنگ» نیز تعبیر می‌شود. نظم آهنگ از حساب و حکمت به کار رفته در ترکیب و تعبیر می‌گوید، واژ آهنگ، از آهنگی که واژه‌ها پدید می‌آورند و متن آهنگ از آهنگی که در فضای متن طنین‌انداز است.

پیشینه بررسی نظم آهنگ قرآن

توجه به جلوه‌های هنری قرآن و نگاه ذوقی-استنباطی و انطباعی به آیات قرآن کریم از چنین نگرگاهی، در آثار پاره‌ای از نویسندگان مصری مشهود است. از نویسندگان مصری می‌توان به سید قطب در «التصویر الفنی فی القرآن» و دکتر مصطفی محمود در «القرآن، محاوله لفهیم عصری» اشاره کرد.

مصطفی صادق رافعی در کتاب «اعجاز قرآن و بلاغت محمد» به این موضوع پرداخته و عبدالرزاق نوفل در کتاب «قرآن بر فراز اعصار»، فصلی را به موضوع «طنین قرآن» اختصاص داده است (نوفل، ۱۳۴۹: ۳۱-۳۳). در کشور ما نیز آیت‌الله سید محمود طالقانی، در تفسیر «پرتوی از قرآن» اشاراتی از این دست را ذکر کرده است. محمد هادی معرفت نیز در کتاب «التمهید» نمونه‌هایی را به نقل از دیگران آورده است. مقاله حاضر به بررسی موضوع نظم آهنگ و تناسب لفظ و معنا در سوره‌های قرآنی می‌پردازد.

سوره فاتحه

این سوره دارای اسامی متعددی نظیر «ام‌الکتاب» است و هفت آیه دارد. آهنگ این سوره با وجود فشردگی، به سبک آهنگ سوره‌های بلند است و سوره حمد از این حیث شاخص است. کافی است برای این موضوع نگاهی به آهنگ سوره‌های بقره، آل عمران، مائده، انعام، اعراف و اکثر سوره‌های «مئین»^۲ افکنده شود. در میان سوره‌های آخر قرآن، دو سوره «ماعون» و «تین» تا حدی دارای تشابه آهنگین با سوره‌های بزرگ قرآن‌اند، لکن این تشابه اندک است و آهنگ‌شان همپای تشابه آهنگ «ام‌الکتاب» با سوره‌های بزرگ نیست.

1. phono sémantique.

۲. سوره‌هایی که شمار آیات آنها نزدیک به یک‌صد آیه است.

اگر بسامد الفاظ سوره «ماعون» و «تین» در قرآن بررسی شود، مشاهده می‌شود که برای مثال، چند کلمه نمونه زیر (غیر از واژه «امین» که تنها یک‌بار در آیه ۶۸ اعراف آمده است) بر اساس ترتیب اول به آخر قرآن، برای نخستین بار فقط در نیمه دوم قرآن و برخی در اواخر آن آمده‌اند و در نیمه اول قرآن و در میان سوره‌های بزرگ نشانی از آنها نیست:

۱. دین (شعرا: ۸۲) ۲. مسکین (قلم: ۲۴) ۳. مصلین (معارج: ۲۲) ۴. امین (اعراف: ۶۸) ۵. ممنون (فصلت: ۴۱)

این در حالی است که بسامد واژگان سوره حمد یا «ام‌الکتاب» در سوره‌های بلند، به شرح زیر است:

۱. عالمین تا آخر اعراف ۲۴ بار ۲. رحیم تا آخر انفال ۲۹ بار ۳. مُستَقِیم تا آخر اعراف ۹ بار

۴. ضَالِّین در بقره و انعام ۲ بار

این مقایسه محدود می‌تواند تا حدی، رابطه و نسبت «ام‌الکتاب» را با دیگر اجزای آن از حیث آهنگ الفاظ روشن کند. درحالی‌که اگر به جای سوره فاتحه‌الکتاب، سوره‌ای مانند ناس، فلق، تکاثر و عادیات - با حفظ مفهوم فاتحه‌الکتاب - می‌آمد، هماهنگی فعلی که بین سوره فاتحه و سوره‌های پس از آن وجود دارد از بین می‌رفت. به این ترتیب مشخص شد که سوره فاتحه علی‌رغم مکی بودنش، از لحاظ ایقاعات تا حدودی بلند است و به لحاظ سبک متناوبی که در آهنگ خود دارد، فضای صوتی سوره‌های بلند را در همان وهله نخست به یاد می‌آورد و چنین نیست که کسی پس از خواندن سوره فاتحه و رفتن به سراغ سوره بقره، میان این دو سوره حالت ناهمخوانی و ناهماهنگی پیدا کند.

حرف پایانی آیات این سوره، دو حرف «ن» و «م» است. این دو حرف در ایجاد طنین و رنین نغمه و آهنگ در زبان‌های مختلف نقش بارزی دارند و در این سوره با ترتیب خاصی از پی هم آمده‌اند. اگر از اول به وسط سوره نگریسته شود، ترتیب این حروف به صورت «م، ن، م» است و از آخر به سمت وسط با چپ‌سوی معکوس به صورت «ن، م، ن» می‌باشد. آیه ۴ این سوره هفت‌آیه‌ای با حرف «ن» در میانه این چپ‌سوی می‌نشیند و سرانجام اکثریت به حرف «ن» که حرف «رنین و طنین» و آفرینش نغمه و آهنگ است، داده می‌شود.

تغییر درونی آوا و آهنگ

ویژگی دیگری که در آهنگ سوره حمد وجود دارد، تغییر آهنگ درون سوره همگام با تغییر

محتوای آیات آن است. آغاز سوره که درباره حمد و رحمت الهی است، از آیاتی شکل گرفته که حروف نرم و ملایم در آنها بیش از حروف دیگر به چشم می‌خورد و آوای خشنی از الفاظ به گوش نمی‌خورد. حروف موردنظر عبارت‌اند از: «ح، م، ر، ع، ل، ن». این حروف در آواشناسی و تجوید، حروف دارای رخوت یا حروف بین شدت و رخاوت خوانده شده است.

در بخش میانی سوره، مسایل مربوط به روز قیامت، عبودیت، استعانت و صراط مستقیم مطرح می‌شوند، حروف سوره هم به تناسب آهنگی مستحکم و استوار به خود می‌گیرند: «ک، دال مشدّد، ت، صاد مشدّد، ط، ق».

در بخش پایانی سوره، دو نوع «صراط» با دو نوع عبارت مطرح می‌شود، عبارتی که بندگان نیکو و نمونه را مشخص می‌کند، خالی از هرگونه خشونت لفظی است: «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»، لکن عبارت پس از آنکه به گمراهان مورد خشم و غضب اشاره می‌کند، آکنده از حروفی خشن و غلیظ است: «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»^۱. مدهای طولانی و تشدیدهای سوره نیز در این بخش پایانی بر سختی و خشونت آوا افزوده است.

سوره ناس

سوره ناس آخرین سوره قرآن و یکی از دو «معوذتین»^۲ است. شمار حرف «س» در این سوره ۶ آیه‌ای به ۱۰ مورد می‌رسد و تنها سوره‌ای است که از پایان تمام آیات آن، کلمه «ناس» به گوش می‌رسد:

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ❖ مَلِكِ النَّاسِ ❖ إِلَهِ النَّاسِ ❖ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ❖ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ❖ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (ناس: ۱-۶)

توالی و تکرار حرف «س» در این سوره و در آیات «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ❖ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ❖ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ» آمیزه‌ای از ترس و هراس از سُکر سحر و افسون را به گوش می‌رسانند. صدای برخورد نون مشدّد و طنین «س» که در فصول این آیات آمده، جوی از

۱. «ض» از نظرگاه آواشناسی جدید، جزو حروف شدید محسوب می‌شود. همچنین هر چند، در برخی کتب تجوید به رسم گذشته، «ض» جزو حروف رخوت‌دار محسوب شده، لکن این جزری در کتاب «النشر فی القرائات العشر» اظهار داشته، برای زبان هیچ حرفی به سنگینی «ض» نمی‌باشد. زبان عربی را به سبب حضور حرف صاد در آن، «لغة الضاد» خوانده‌اند.
۲. دو سوره‌ای که با پیام خود، انسان‌ها را از شرور برحذر می‌دارد و پناه و تعویذ می‌دهد.

برخورد و معرکه‌ای را می‌نمایاند که میان نیروهای خیر و شر در نفس انسان به وجود آمده است و حرکات صوتی و هیئت فعل «یوسوس» ادامه این معرکه را اعلام می‌دارد (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۳۱۹). سیدقطب حرف «ن» را به دلیل داشتن غنه و طنین دل‌انگیز موسیقایی، نمادی از نیروهای خیر و حرف «س» را نمادی از نیروهای شر دانسته است. گویی آهنگ این سوره می‌خواهد شروری را که پیرامون انسان فرا گرفته‌اند به وی گوشزد و او را از آنها تحذیر کند^۱ (قطب، بی تا: ۳۹-۴۱؛ خیام، ۱۳۸۴: ۸۶).

سوره فلق

سوره فلق دومین سوره از معوذتین و قرینه سوره ناس و دارای پیامی هم‌ردیف آن است. آهنگ سوره ناس به آدمی، ناخوشایندی‌ها را و آهنگ سخت سوره فلق، خطرات را گوشزد می‌کند. تکرار حرف «ق» تا ۵ بار به اضافه حرف «غ»، «س» و «د» به این سوره کوتاه پنج آیه‌ای، آهنگ خاصی متناسب با معنای آن می‌بخشد:

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ❖ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ❖ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ❖ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ❖
وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (فلق: ۱-۵)

حرف ق صدای شکفتن، شکافتن و شکستن را در عربی و برخی زبان‌های دیگر به گوش می‌رساند. تمام آیات این سوره به حروف ذولقی و جهری ختم می‌شوند و هیچ‌گونه الصاق اصماتی در ادای آنها وجود ندارد.

از مشخصات این سوره، کاربرد انحصاری دو واژه «غاسق» و «نفثات» است. «غاسق» واژه‌ای خشن و گلوگیر است؛ واژه‌ای است که اگر قرآن آموز معنای آن را نیز نداند، به غلظت ادا و سختی آوای آن در همان استماع نخستین التفات پیدا می‌کند. استعمال این واژه تنها یک‌بار دیگر هنگام فرو افتادن پرده شب دیده می‌شود:

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا (اسرا: ۷۸)

«نفثات» نیز واژه‌ای است که «دمیدن» را به‌طور کامل به نمایش می‌گذارد. حرف «ف» از

۱. حضور حرف س و تأثیر موسیقایی آن را در این سخن خیام بنگریم:

مرغی دیدم نشسته بر باره تـوس در پیش نهاده کله کیکاووس
با کله همی گفت که: «افسوس افسوس» کو بانگ جرس‌ها و چه شد ناله کوس؟

حروف شفوی و حرف انفتاح است و لبها باید حتماً یک حالت باز شدن را برای ادای آن تجربه کنند. ادای حرف «ث» نیز نیازمند برخورد زبان با دندان‌های پیشین و دمیدن هوا در پی آن است. تشدید حرف «ف»، فشاری مضاعف را می‌طلبد و دمیدن را بیشتر نشان می‌دهد. رؤیت ادای این کلمه توسط معلم قرآن از سوی قرآن‌آموز، می‌تواند وی را به سوی معنای لغوی آن ببرد. گویی او، معلم قرآن را برای ادای این واژه می‌بیند که «تفخه در دو لب» افکنده، دو لب را در هم فشرده و در پس دندان‌های خود می‌دمد، چندان که هوای دهان - احياناً با مقادیری از ذرات بزاق وی - از آن بیرون می‌جهد.

می‌توان گفت که ریشه‌های نفت، نفس، نفخ و نفح در دوسوم حروف و معنای خود با هم مرتبط‌اند و معنای دمیدن از همه آنها مستفاد می‌شود. این چهار ریشه در آیات قرآنی با حفظ تشابهات و تفاوت‌های معنایی خود به کار رفته‌اند.^۱ حروف تمام این افعال با بخش‌های پیشین دستگاه تکلم لب یعنی لب و دندان‌های پیش ادا می‌شوند و همگی مفهوم مشترک دمیدن را به خوبی به سمع و نظر شنونده می‌رسانند. در این بین، تنها ریشه نفت در قرآن به وزن «فَعَالَات» در آمده است و آن دمیدن سخت افسونگر در گره‌ها را به گوش می‌رسانند.

سوره صمد

گویی شروع این سوره، تالی آن را به سوی انتهای آن می‌برد. با تکرار آیات این سوره می‌توان دریافت که نیمه دوم سوره به نحو لطیف و چه بسا نامحسوسی، ریتم و آهنگ سریع‌تری به خود می‌گیرد و آدمی را به سوی پایان آن می‌کشاند:

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿۱﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿۲﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿۳﴾ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿۴﴾ (احد: ۱-۴)

آدمی با آغاز این سوره، میل به رفتن تا پایان آن دارد و علاقه‌ای به رها کردن آن در نیمه راه ندارد. عدم جواز چنین کاری مورد اشاره برخی روایات نیز هست.

ثقل این ریتم سریع بر روی توالی حرکات حروف «كُفُوًا» در پایان سوره است. روشن است که اگر این کلمه به صورت‌های دیگری که در برخی «قرائات» آمده است، تلفظ شود، لطافت موسیقایی آن از بین خواهد رفت. این نکته‌ای مهم است که در بررسی نظم آهنگ قرآن باید بدان توجه داشت. شیوایی نظم آهنگ قرآن در قرائت مشهور «حفص از عاصم» تا حد بالایی مشهود و

۱. از جمله در این آیات: وَ الصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ (تکویر: ۱۸)؛ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا (کهف: ۹۶)؛ وَلَئِن مَّسَّحْتُمْ نَفْحَةً مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (انبیاء: ۴۶).

سموع است و تلاوت قرآن به بسیاری از «قرائات» و «روایات» دیگر، می‌تواند مخلاً شیوایی صوتی و آهنگ کلام‌الله مجید باشد.

سوره مسد

آهنگ سخت و کوبنده این سوره از تکرار حروف شدت‌دار در آن نمایان است:

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ ❖ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ ❖ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ❖ وَ امْرَأَتُهُ
حَمَّالَةَ الْخَطَبِ ❖ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ (مسد: ۱-۵)

آهنگ آغازین و غالب سوره مسد، آهنگی کوبنده و در هم شکننده است و آوای در هم کوبیدن در این سوره بیش از هر آوای دیگری شنیده می‌شود؛ آوای tab و معادل‌های آن در زبان‌های مختلف دنیا برای روایت آوای کوبیدن بکار می‌روند. این صوت در زبان فارسی به صورت‌های تپ و مشتقات آن آمده است. ریشه طبع در عربی، صورتی از همین آواست و معادل‌های آوایی آن در زبان‌های اروپایی نیز فراوان‌اند. فعل taper در فرانسه به معنای زدن و کوبیدن است. طبل را به سبب آوای بلند و شدیدی که تولید می‌کند، طبل نامیده‌اند.^۱

سیدقطب، درباره سوره مسد می‌گوید:

«این سوره، پاسخی به جنگ اعلام شده از سوی ابولهب است که به پیامبر (ص) گفت: «تَبَّأ لک» و خدا در اینجا خود امر جنگ را بر عهده گرفته است» (قطب، بی‌تا: ۴۰۰/۶).
در «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ»، تباب به معنی هلاکت، نابودی و قطع است. «تَبَّتْ» نخستین، دعا و «تَبَّتْ» دوم گزارشی از تحقق این دعا است. در آیه‌ای کوتاه دعا صادر می‌شود، تحقق می‌یابد، معرکه پایان می‌پذیرد و پرده فرو می‌افتد! در این سوره به‌واسطه تناسب زنگ کلمات، صدای خشک و شکننده بستن و مستحکم ساختن پشته هیمه به گوش می‌رسد. همان‌گونه که این سوره از به بندکشیدن گردن همسر ابولهب - که هیزم‌بیار معرکه بود - خبر می‌دهد.
سوره مسد و احد با یکدیگر دارای تناسب‌اند. روشن است که وجه دیگر «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ» است. همچنان‌که وجه دیگر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» می‌باشد. سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»

۱. همچنان‌که دف را به سبب صدای خفه و بلندش، دف نامیده و سنج را به سبب صدای زیر و زنگدارش، سنج خوانده‌اند. همچنان‌که چنگ را در زبان فارسی به سبب نواخته شدن آن با چنگ و پنجه دست، چنگ خوانده‌اند؛ اما همین آلت را در زبان فرانسه به سبب صدایی هارمونیک که تولید می‌کند، Harp نامیده‌اند. تلفظ کردن نام این ساز، صدای کشیدن انگشتان را بر روی سیم‌های آن تداعی می‌کند.

از وجودی یگانه - که دویی برای او متصور نیست - سخن می‌گوید که بی‌نیاز و قبله ارباب نیاز است؛ سوره «تَبَّتْ» از مدعیانی که در طول تاریخ بر این مسند تکیه کردند، خود را، به دروغ، بی‌نیاز خوانده و قبله نیاز ارباب نیاز شمرده‌اند، می‌گوید. تاریخ گواهی می‌دهد که ابولهب، خود را به صراحت، صمد می‌خواند و به‌گرافه می‌گوید: «انا الصمد».

سوره مسد از «کفو» ابولهب نیز سخن می‌گوید که «حَمَّالَةَ الْحَطَبِ» است، اما سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» از یگانه‌ای سخن می‌گوید که وجود کفو برای او معنا ندارد و همسر و همسنگی برای او متصور نیست. سوره «مسد» و «اخلاص» از لحاظ ظاهر با هم دارای مجاورت و هم‌آهنگی در ایقاعات‌اند. طبرسی در «مجمع البیان» وجود حرف «د» در پایان دو سوره را نشانی و وجهی از ارتباط میان این دو سوره شمرده است.

از لحاظ باطن نیز میان این دو سوره ارتباط برقرار است؛ چنان‌که رسول خدا (ص) فرمود:
«هر کس جمعه‌ای بر او بگذرد و سوره «قل هو الله احد» را نخواند، بر دین ابولهب، از دنیا رفته است!»^۱ (طبرسی، ۱۴۱۶: ج ۱۰/۸۵۵).

سوره فیل

آهنگ عمومی این سوره، آهنگ حرکت «پیل و پیل یاران» است؛ حرکت گروهی دیگر از گردنکشان تاریخ که قرآن و مردم، آنان را با مدد از نام «فیل» می‌شناسد! همان‌گونه که خداوند، گروهی را «اصحاب الجنه»، «اصحاب الیمین» و «اصحاب النار» معرفی کرده، گروهی را هم به نام «اصحاب الفیل» شناسانده است. گویند که معرف باید اجلی از معرف باشد و چنین مقرر شد که تاریخ، این قوم را با نام و یاد پیل بشناسد و نسبت پیل در نسب آنان ماندگار شود. آهنگ و ریتم این سوره، سنگین و متناسب حرکت پیلان تنومند و همان معشر «پیل یاران» است:

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ * أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ * وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا
أَبَابِيلَ * تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ * فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ (فیل: ۱-۵)

۱. این سخن در میان انبوه آرا و نظرات تفسیری قرن هفتم از رنگ و نوع دیگری است و هیچ به نظر نمی‌آید و در واقع نمودی ندارد؛ اما امروز این سخن دیگر نباید آن غربت گذشته را داشته باشد و این اشاره کوتاه در بیش از هفتصد سال پیش از طبرسی می‌تواند در صف بررسی‌های نظم آهنگ آیات و سوره‌ها برای خود حائز مکان باشد.

❖ تناسب آهنگ این سوره با محتوای آن، هنگامی بیش تر روشن می شود که با سوره عادیات مقایسه شود که یورش دوندگان و روندگانی تیز تک را به تصویر می کشد. در سوره عادیات - که شرح آن خواهد آمد - این حرکات کشیده اند که بیش از همه به گوش می رسند و تکرار می شوند، اما در سوره ی «فیل» بیشتر حرکات، کوتاه و کشدارند و آهنگ سخن را سنگین می سازند. همچنین در سوره فیل، حروف دارای سکون به صورتی آشکار بیش از آیات سوره عادیات اند و این خود بر سنگینی آهنگ سخن می افزاید.

سوره فیل را در کنار قرینه آن - سوره قریش - باید دید:

سوره قریش

تار و مار کردن پیلان و پیل سواران، برای ایجاد سکون و آرامش برای قریش - ساکنان ام القری - و دیگر مردمان است، تا کاروان هایشان - رَحْلَةَ الشَّيْءِ وَالصَّيْفِ - پهنه ی دشت ها را در نوردد و مردمان به سپاس و عبادت پروردگار بیتی بپردازند که به آنان رزق و امنیّت عطا کرده است. آرامش و امنیّت، در آهنگ بسیار ملایم این سوره که همچون آرامشی پس از طوفان است، پیداست:

لَا يَلَا فِ قُرَيْشٍ ❖ إِلَّا فِهِمْ رَحْلَةَ الشَّيْءِ وَالصَّيْفِ ❖ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ❖ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ (قریش: ۱-۴)

این سوره ۴ آیه دارد و تمامی آیات به حرف ما قبل ساکن ختم می شوند و وقف بر هر آیه، سکون ها را مضاعف می سازد:

...قُرَيْشٍ (۱)...صَيْفٍ (۲)...بَيْتٍ (۳)...خَوْفٍ (۴)

در الفاظ درون آیات، سکون های متعددی وجود دارد و هر یک به مثابه ی ترمزی، از هرگونه سرعت و شدت در آهنگ سوره می کاهد. تعداد سکون های این سوره با احتساب حروف مدّ، به ۱۵ مورد می رسد، مقایسه این سوره با سوره آتی یعنی سوره «همزه» و توالی حروف متحرک و مشدّد در آن معنای بیشتری به این رقم می دهد:

سوره همزه

در این سوره، الفاظ پایانی هر آیه به چند حرف متحرک پیاپی ختم می شوند. تعداد سکون های این سوره ۹ آیه ای بسیار کم تر از سوره ۴ آیه ای قریش است، به طوری که گویی

در نظر اول به چشم و گوش نمی‌خورند و شمارش آنها نیاز به دقت و تیزبینی دارد. در عوض در این سوره که سخن آن از تحطیم و خردکنندگی خاطیان است - خاطیانی که همواره با چشم و زبان خود در پی تحقیر و تخفیف دیگران بوده‌اند - تشدیدهای فراوان، پرده‌های گوش‌ها را می‌کوبند. شمار تشدیدهای این سوره به ۱۴ مورد می‌رسد.

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ﴿۱﴾ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ﴿۲﴾ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ﴿۳﴾ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ﴿۴﴾ وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ﴿۵﴾ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ ﴿۶﴾ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْآفِيَةِ ﴿۷﴾ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّاةٌ ﴿۸﴾ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ﴿۹﴾ (همزه: ۱-۹)

مؤلف تفسیر «پرتوی از قرآن» در این باره می‌نویسد:

این سوره با آیات کوتاه و فصول متشابه و طنین خاص و هراس‌انگیز، دو روی و دو وضع متقابل و متعکس زندگی و خوی و اندیشه و اعمال کسانی را به شتاب از نظرها گذرانده است؛ «همز، لَمَز، جَمَع، حُسبان و خلود» روی دیگر متقابل و متعکس «نَبَذ، حَطَم، نار، موقده، مؤصده» است. از آیه ۶ نیز که بُعدی دورتر از انظار را به نظر می‌رساند، آیات، کوتاه‌تر و سریع‌تر شده است (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۲۵۵).

سوره قارعه

آهنگ سخت و سنگین سوره قارعه چیزی نیست که از ذهن قرآن‌آموز دور بماند. شاید هریک از ما با مروری بر خاطرات فراگیری سوره‌های پایان قرآن در زمان کودکی، آثاری را به یاد آوریم که آیات و عباراتی قرآنی نظیر آیات سوره قارعه در ذهن ما می‌نهادند. حرف «ق» یکی از حروف شدت‌دار در زبان عربی است و توالی سه حرف «ق» و «الف کشیده» در آغاز این سوره، تناسبی واضح از مفهوم سوره و حکایت کوبندگی واقعه قیامت دارد. این سوره با وجود حجم فشرده و تناسبی که در آغاز آن وجود دارد، از تصریف و تنوع آهنگ نیز بهره‌مند است و می‌توان بر اساس تناسب مرکب آهنگین و مفهومی، این سوره یازده آیه‌ای را در پنج سطر - یک سطر سه آیه‌ای و چهار سطر دو آیه‌ای - نوشت:

القَارِعَةُ ﴿۱﴾ مَا الْقَارِعَةُ ﴿۲﴾ وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ﴿۳﴾ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ﴿۴﴾ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ﴿۵﴾ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ﴿۶﴾ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿۷﴾ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿۸﴾ فَأَمَّهُ هَوَايَةٌ ﴿۹﴾ وَمَا أَذْرَاكَ مَا هِيَةٌ ﴿۱۰﴾ نَارُ حَامِيَةٍ ﴿قارعه: ۱-۱۱﴾

یعنی:

سه آیه حاوی اخبار و انذار؛

دو آیه‌ای که ظرف وقوع «واقعہ» و «قارعه» اند؛

دو جفت آیه‌ای که به شیوه‌ای مخصوص با لفظ و معنای خود، «تقابل» را به نظر می‌رسانند. آهنگ آیات این سه دسته آیات با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند و این تفاوت‌ها، دسته‌های آیات را به صورتی ظریف از همدیگر متمایز می‌سازند.

کلمات آیات پایانی همچنان وزن کلمات آیات آغازین را می‌یابند. سوره در سیر سریع خود و در آیات پایانی همچنان به آهنگ آغازین بازمی‌گردد و آهنگ و مضمون نخست را تداعی می‌کند. در آیه پنج این سوره از درآمدن کوه‌های سخت و پرصلابت به صورت «پشم پراکنده» سخن گفته می‌شود. در قرآن کریم، واژه اصواف آمده است ولی مفرد آن که «صوف» می‌باشد نیامده است، در این سوره نیز به جای «صوف» از «عهن» که فصیح‌تر می‌باشد، استفاده شده است و ضمن رعایت فصاحت، «عهن» با مفهومی که از آن اراده شده است، تناسب دارد. به عبارت دیگر، این سوره با آیات «الْقَارِعَةُ ❖ مَا الْقَارِعَةُ ❖ وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ» آغاز شده که کوبندگی را به تصویر می‌کشد و در آن «عهن» در برابر «جبال»، که مظهر صلابت و استحکام‌اند، قرار گرفته است. حروف تشکیل دهنده «عهن» بسیار نرم و بلکه سست‌اند و تماس چندانی بین اجزای دستگاه تکلم پدید نمی‌آورند. سست شدن و انهدام کوه‌های سخت و سنگین از درون همین لفظ به بیرون تراوش می‌کند.

در سیر آخر به اول قرآن، اولین نام از نام‌های روز قیامت که در قالب وزنی «فاعله» واقع شده در این سوره دیده می‌شود: «الْقَارِعَةُ». - در باره این «نام وزنی» توضیحی خواهد آمد -؛ به این نام، دو نام دیگر که خود ملحق و متعلق به روز قیامت‌اند، می‌پیوندند: «هَآوِيَةٌ» و «حَامِيَةٌ». دو نام اخیر در پایان سوره آمده‌اند و تناسب آهنگ آغاز و پایان سوره را تأمین می‌کنند. در میانه سوره، آهنگ سوره به سکون و سستی می‌گراید. واژگان «مَبْثُوثٍ» و «مَنْفُوشٍ» بر خلاف واژگان «قَارِعَةُ»، «هَآوِيَةٌ» و «حَامِيَةٌ»، آهنگی ایستا دارند و آن مفهوم عاقبت انسان‌ها و کوه‌ها را که در این سوره و سوره‌های دیگر ذکر شده، در گوش می‌نشانند، اما از میانه سوره به بعد، آن آهنگ آغازین از نو برپا می‌شود و همان اوزان و قالب‌ها بار دیگر به گوش می‌رسد تا استمرار حیات

سرشار همراه با تعذیبی را که برای تهذیب و تأدیب آدمی و تأمین حیات خالص اوست، گوشزد کند: «رَاضِيَّةٌ»، «هَآوِيَّةٌ»، «مَا هِيَّةٌ» و «حَامِيَّةٌ».

روشن است که «مَا هِيَّةٌ» در اصل عبارتی مرکب از سه کلمه است و اسمی به سان آن اسما و صفات دیگر نیست؛ اما یک های سکت به پایان آن افزوده شده تا با آهنگ سوره هم‌رنگ و هماهنگ شود و در تناسب و تناسب با آن اسم‌های دیگر درآید. نکته دیگری که در تقابل «قَارِعَةٌ»، «رَاضِيَّةٌ»، «هَآوِيَّةٌ»، «مَا هِيَّةٌ» و «حَامِيَّةٌ» واژگان «مَبْثُوثٌ» و «مَنْفُوشٌ» قابل ذکر است، این می‌باشد که واژگان گروه نخست، بر وزن فاعل و واژگان گروه دوم بر وزن مفعول‌اند. و کار قیامت چنین است. یعنی قیامتی که خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ (واقع، ۲) است، «مخفوض» و «مرفوع» نیز دارد و در این «قرع» عظیم، مقروع و مَبْثُوث و مَنْفُوش نیز پدید خواهد آمد.

سوره عادیات

این سوره با قسم به دوندگانی تیزتک و تیزرو آغاز می‌شود که یورش می‌آورند، نفس نفس می‌زنند، با پای خود جرقه می‌افروزند و غبار می‌انگیزند.

این سوره با الفاظی پیاپی آغاز شده که بر وزن «فاعلات»‌اند:

وَ الْعَادِيَاتِ ضَبْحًا * فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا * فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا * فَأْتَرْنَ بِهِ نَعْمًا * فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا

(عادیات: ۱-۵)

توالی واژگان بر وزن «فاعلات» در قرآن، مُشعر به ریتم حرکت سریع است. از این موضوع در مباحث آتی ذیل عنوان «قالب‌های وزنی» سخن گفته خواهد شد، اما قابل ذکر است که «فاعلات» به خودی خود جمع «فاعله» است و چنانکه در شرح مربوط به سوره قارعه بیان شد، وزن و قالب نام‌های متعددی است که برای وصف روز قیامت در قرآن آمده‌اند. اوزان پیاپی فاعلات در آغاز این سوره برای نامیدن روز قیامت نیامده‌اند، اما چون فضای کلی و محور اصلی روز قیامت است، این اوزان با آن ارتباط می‌یابند و تمهید خوبی برای آن محسوب می‌شوند.

ترکیب حرکات ایقاعات خاص این سوره، حرکات کوتاه و کشیده و نیز کثرت حرکات کشیده‌ای که با ترتیبی دقیق و در میان حرکات کوتاه جای گرفته‌اند، فراز و فرودی آشکار را به گوش می‌رسانند و عیناً تصویرگر این صحنه‌های پرشور می‌شوند. آهنگی که به محض آغاز سوره از همان یکی دو آیه نخست به بیرون می‌تراود، با قسم‌های آن و هر دوی اینها با جواب قسم و

در نهایت این همه با سخن پایان سوره همخوانی تام دارند؛ در آغاز سوره به دوندگان تیزرو و سرکشی قسم یاد شده که به شدت می‌تازند و جرّقه و غبار برمی‌افروزند و در جواب قسم، ناسپاسی و سرکشی انسان و «شدید» بودن او در «حبّ خیر» - دوستی مال - آمده است.

آن تصویر آغازین جهش جرّقه از زیر پای دوندگان و گرد و غبار یورش و نفس‌های تند آنها با تصویر زیر و رو شدن قبرها و آشکار شدن پنهانی‌ها در پایان سوره هماهنگ است. همان‌گونه که از صخره‌های سخته و خارا، جرّقه‌های بس لطیف می‌جهد، روزی نیز از میان گورهای پوشیده و خاک‌آلود، انسان‌های زنده برخوانند خاست و از سینه‌های پوشیده، اخبار نهفته و مدفون به در خواهد آمد:

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ﴿۱﴾ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ﴿۲﴾ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ﴿۳﴾ (عادیات: ۶-۸)

اینها صحنه‌هایی چشمگیر، خیره‌کننده و «مشهود» خواهند بود؛ همان «مشهود»ی که در سوره هود به آن اشاره^۱ و در سوره بروج به آن سوگند^۲ یاد شده است. انسان پیش از آنکه آن روز مشهود فرا برسد، بر آنچه به آن دچار می‌شود، گواه و «شهید» است: «وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ» (عادیات: ۷).

سوره، با این بیان، به موضوع قیامت و برانگیختگی اندوخته‌های قبرها منتقل می‌شود:

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ ﴿۱﴾ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ﴿۲﴾ إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ ﴿۳﴾ (عادیات: ۹-۱۱)

سوره عادیات در کنار سوره زلزال قرار دارد و بنا بر ترتیب مصحف و ارتباط مفهومی، می‌تواند قرینه آن محسوب شود. ارتباط موضوع و مضمون این سوره با سوره عادیات بسیار گویا و آهنگ لرزش و خیزش بر فضای هر دو سوره طنین‌افکن است. در سوره عادیات از فضای آکنده از غبار و غلغله و غوغا و جهش جرّقه و یورش سخن می‌رود و در سوره زلزال از لرزش زمین و برپا شدن صحنه حسابرسی و رسیدن به حساب حتی برای ذره‌ای کوچک.

سیدقطب در باره سوره عادیات می‌نویسد:

«سیاق این سوره در برخوردهایی سریع و حرکت‌آفرین جریان دارد که بر اثر پرش و جهش و دویدن با چابکی و سرعت از یکی به دیگری منتقل می‌گردد تا به آخرین فقره برسد که در آن، لفظ، سایه، موضوع و ایقاع همگی متوقف می‌شوند، همان‌گونه که دونده به پایان سیر خود می‌رسد. در آخر، غبار برانگیخته شده و سرکشی و حرص و پراکندگی و جمع‌آوری، همگی به پایان خود می‌رسد: «به سوی خدا»؛ «إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ» (عادیات: ۱۱) (قطب، ۱۴۱۵: ۱۲۶).

۱. ذَٰلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ (هود: ۱۰۳).

۲. وَ شَاهِدٌ مَّشْهُودٌ (بروج: ۳).

به سخن سید قطب باید این مطلب را افزود که صدای الف کشیده در «ضَبْحاً» و «قَدْحاً» در آغاز سوره، در پایان به حرکت زیر «خیر» - که مفهوم فرود را القاء می‌کند و پایان کار را نشان می‌دهد - منتهی می‌شود. تقارب آهنگین دو کلمه «ضَبْحاً» و «ضَبْحاً» نیز قابل توجه است: یکی دمیدن نَفَس است و دیگری دمیدن و تَنَفُّس صبح؛ (وَالصُّبْحُ إِذَا تَنَفَّسَ - تکویر، ۱۸)!

سوره زلزال

تناسب آهنگ این سوره با مفهوم زلزله و لرزش، بی‌نیاز از توضیح است:

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ❖ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ❖ وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ❖ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ❖ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا (زلزال: ۱-۵)

توالی و تتابع حرفی چون «ل» که دارای صفت «انحراف» است و «ز» که دارای «صفیر» است، کلماتی لرزان و لغزان در دهان پدید می‌آورد. از حیث صداها نیز می‌بینیم که پنج آیه اول این سوره به الف کشیده ختم می‌شوند که حتی بر خلاف سوره عادیات، حروف ماقبل الف‌های کشیده آن، متحرک می‌باشند و بر تأثیر لرزاور آیات بیش از پیش می‌افزایند. در این سوره نیز همانند سوره‌های قارعه و عادیات پس از وصف عمومی روز قیامت و یا منظره یورش، آهنگ سوره برای بیان مطلب بعد، تغییر می‌یابد.

سیدقطب، آیات آغازین این سوره را چنین وصف کرده است:

«صحنه‌ای است که گویی در آن، زیر پای شنوندگان این سوره، هر چیز ثابتی به حرکت در می‌آید و به نظر آنان چنین می‌رسد که در حال لرزش و تحرک‌اند و زمین زیر پای ایشان می‌لرزد و حرکت می‌کند! این صحنه‌ای است که دل‌های انسان‌ها را از هر آنچه از زمین است و ایشان بدان پیوسته و در آن آویخته‌اند و آنرا ثابت پنداشته‌اند، جدا می‌سازد. این نخستین اشاره از چنین مناظری است که قرآن تصویر می‌کند و در آن حرکتی را قرار می‌دهد که به محض استماع عبارت منحصر به فرد قرآنی، به اعصاب شنونده منتقل می‌شود. پس از این نگارگری هنری، تصویر انسان در میان این صحنه و حالت انفعال‌های وی نشان داده می‌شود که می‌گوید: «زمین را چه شده است؟!».

به گفته سیدمحمود طالقانی:

«طول بیشتر آیات این سوره تقریباً یکسان است. از آیه اول با وزن شدید «مستفعل - فعل - فعلا لها»

❖ آغاز شده^۱ و همه اوزان خفیف و کوتاه شده است تا سوره به آیه شش برسد که متضمن بیان تفصیل است و طول بیشتری دارد. آهنگ آیه اول با حروف قریب المخرج و مکرر «ذ، ز، ض» (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۲۲۳) و تکرار لام و صداهاى حرکت بالا و پایین و لرزه‌های متنوع و پی در پی را می‌نمایاند. همچنین است حالت حروف و حرکات آیات دیگر که اثرگذاری موسیقایی آنها با دقت و بررسی بیشتر مشخص می‌شوند. فصول پنج آیه اول که به «ها» منتهی می‌شود نمایاننده وسعت و پیشرفت حوادث و تحولات در روز زلزله است» (همان).

آهنگ سه آیه پایانی سوره، به نوعی سکون و آرامش می‌گراید و ضمیر «هُم» حائلی میان دو نیمه‌ای می‌شود^۲ که یکی از لرزش و حرکت می‌گوید و دیگری از فضایی که در آن یک ذره و غبار هم گم نمی‌شود! گویی آن زمین‌لرزه، بلکه با اوصافی که قرآن کریم در دیگر مواضع خود می‌دهد، آن «جهان‌لرزه» به آرامش گراییده و هم‌اکنون حسابرسی بندگان آغاز شده است:

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ۗ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ۗ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (عاديات: ۶-۸)

سوره تکویر

از همان سنین کودکی که آیات این سوره، گوش‌های ما را نواخته - هر یک به فراخور حال - ادراک خاصی از آهنگ این سوره داشته‌ایم. هر چند نمی‌توانسته‌ایم و شاید اکنون نیز نتوانیم انطباع پدید آمده از آن‌را در گوش و روحمان به روشنی وصف کنیم؛ اما هرچه هست انطباع ما از آهنگ شاخص این سوره است. به‌خصوص که زمان کودکی اغلب ما و یا نسل قبل از ما مقارن با تسخیر رسانه‌های صوتی جهان با آوای برخی قاریان مشهور شد و تلاوت سوره حاضر، از تلاوت‌های شاخص آنان بود.

این سوره، سوره‌ای با ریتم سریع آیاتی کوتاه و مقطع و دارای آهنگی پیاپی و همسان که نیمی از آنها به حرف «ت ساکن» ختم می‌شوند و آن سکون و توقف سنگین را که موقتاً در جوش و جنب هستی می‌افتد، به گوش می‌رسانند: وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ (صافات: ۲۴).^۳

۱. این حروف دارای بسامد صوتی بسیار بالیند.

۲. در بررسی نظم آهنگ سوره محمد، از سنگینی و سکونی که ضمیرهای متوالی «هُم» در آن سوره پدید می‌آورد، سخن گفته شده است.

۳. ایشان را بازدارید. اینان مورد سؤال اند.

«ت» حرفی همسی و خاموش است و سکون‌هایی که پیاپی از وقف بر سر آن پدید می‌آیند، به‌واقع آن سکون و توقف را مجسم می‌سازند، در عین حالی که ریتم سریع آیات، حرکات شدید قبل از آن مرحله را به‌صورت همزمان مجسم می‌سازند. تکرر فعل‌های «مجهول» در آیات این سوره منحصر به فرد است و یادآور جهان مقهور به قوه قاهره قیامت، روز آن پرسش و پاسخ پیاپی «لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (غافر: ۱۶) و حقیقت «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (ابراهیم: ۴۸) است:

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ❖ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ❖ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ❖ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ❖ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ❖ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ❖ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ❖ وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ❖ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ❖ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ❖ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ❖ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِرَتْ ❖ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُنزِلَتْ ❖ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أُخْضِرَتْ (تکویر: ۱-۱۴)

اما نیمه دوم سوره، نیمه حرکت است؛ جریان ستارگان آمدن روز و شب، ذکر جاری قرآن و «مستقیم شدن» انسان که خود در گرو مشیت فرمانروا و پروردگار جهانیان است. در این نیمه دوم به تناسب این حرکت و جریان، آهنگ سوره نیز تغییر می‌کند. در این نیمه آن هشدار هراس و سکون منتهی به صدا و حرکت دیده می‌شود و توالی صدای S قابل توجه است:

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ ❖ الْجَوَارِ الْكُنُوسِ ❖ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ❖ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ (تکویر: ۱۵-۱۸)
مصطفی محمود درباره آیه «وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ» می‌گوید:
«این آیه شب را به تصویر می‌کشد، این به دلیل توالی دو حرف «س» ساکن در کلمه «عسعس» است.»
سید قطب نیز درباره آیه «وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ» می‌گوید:
«صدای خروس را به گوش می‌رساند!» (محمود، بی‌تا: ۱۹).

سوره فجر

۵ آیه نخست این سوره در برگزیده چهار قسم به اضافه پرسشی راجع به قسم‌های سوره است.
وَالْفَجْرِ ❖ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ❖ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ❖ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرُ ❖ هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ (فجر: ۱-۵)
أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ❖ إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ❖ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ❖ وَتَمُودَ الَّذِينَ جَانَبُوا الصُّخْرَ بِالْوَادِ ❖ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ❖ الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ❖ فَأَكْتَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ❖ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ❖ إِنَّ رَبَّكَ لَبَالْمُرْصَادِ (فجر: ۶-۱۴)

۹ آیه بعد، داستان هلاکت اقوام گذشته بر اثر اعمال تباهشان را با آهنگی متفاوت از شروع سوره و متناسب با موضوع بررسی می‌کند. این ۹ آیه دارای ایقاعاتی همسانند و همگی به حروفی کوتاه که قبل از آن الف کشیده قرار دارد ختم می‌شوند. در آیه «وَتَمُودُ الَّذِينَ جَاءُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ»، حرف «ی» از آخر لفظ «وادی» حذف شده تا ایقاع این گروه از آیات مختل نگردد و از حالت یکپارچه و هماهنگ خود درنیاید. موسیقی خاص این آیه در ادامه به مناسبتی، بررسی و مقایسه‌ای دیگر خواهد شد.

در این سوره سه آیه از تمامی آیات دیگر، طولانی‌ترند که با فاصله دو آیه پس از گروه آیات فوق قرار گرفته و واگویی‌های از پرگویی‌های انسان غافل و افکار پریشان اوست:

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (فجر: ۱۵)

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (فجر: ۱۶)

سیدقطب، آیات ۲۱ و ۲۲ این سوره را دارای آهنگ نظامی‌ای که مناسب دگرگونی یکباره عذاب و در بند کردن انسان مجرم است، می‌داند:

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ❖ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (فجر: ۲۱-۲۲)

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ❖ وَلَا يُوثِقُ وِثْقَهُ أَحَدٌ (فجر: ۲۵-۲۶)

و در مقابل از جو آرام دوستانه و توأم با خشنودی و عاطفه‌ای سخن گفته که بر آیات پایانی این سوره سایه افکنده است:

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ❖ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ❖ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ❖ وَادْخُلِي جَنَّتِي (فجر: ۲۷-۳۰) (قطب، ۱۴۱۵: ۹۷).

سیر و همگامی آهنگ آیات با معانی آنها در تفسیر پرتوی / از قرآن این گونه قرار گرفته است:

لحن و وزن و طول آیات این سوره، با تنوع معانی، متنوع آمده که مجموعاً ده لحن و وزن است:

۱. از آیه یک تا پنج، که سوگندها و شواهد قاطع و تعیین کننده نظام جهان و سرنوشت انسان است.

۲. از آیه ۶ لحن آیات و برخورد حروف و کلمات، تندتر و تهدیدآمیز آمده و برای نمایاندن

شواهد تاریخی پیوسته کشیده‌تر شده است.

۳. آیه ۱۵ و ۱۶ که بیان و تفصیل اندیشه دامنهدار انسان است، دارای لحن ملایم و طول

بیشتری است.

۴. آیه ۱۷ و ۱۸، کوتاه‌تر و لحن آغاز آنها تهدیدآمیز و آخر آنها رحمت‌انگیز است.
۵. از آیه ۱۹ تا ۲۲، طول آیات کمتر و لحن قسمت‌های دوم هر آیه شدیدتر شده، تشدیدها و تنوین‌های پی‌درپی و برخورد کلمات آخر با یکدیگر: «...أَكَلًا لَمًّا؛...حُبًّا جَمًّا؛...دَكًّا دَكًّا؛...صَفًّا صَفًّا» جوئی کوبنده و سرزنش‌آمیز و هراس‌انگیز را مجسم می‌کند.
۶. آیه ۲۳، با طول و تفصیلی که دارد، رخ نمودن جهنم و تذکر حسرت انسان را می‌نماید.
۷. آیه ۲۴، که پیوسته به آیه قبل است، با چند کلمه کوتاه و لحن آرام، آخرین آرزو و تأثر گناهکار را منعکس می‌نماید، که با آخرین کلمه هموزن فعلی «حَيَاتِي» برای همیشه خاموش می‌شود!
۸. آیه ۲۵ و ۲۶، با طول بیشتر و حرکات متوالی و متناوب فتحه، ضمه و کسره و تکرار حروف، محیط خشم و عذاب و به بند درآمدن دوزخیان را مجسم می‌کند.
۹. آیه ۲۷ و ۲۸، طنین طولانی، ممتد، موج و جذاب ندایی را منعکس می‌کند که در میان قهر و عذاب برخاسته و با کسره‌های متوالی «ارْجِعِي -إِلَى- رَبِّكِ» این نداء تنزل یافته و با آخرین موج‌های «رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً» و تاهای متصل و ساکن به ساحل ضمیر مخاطب منتهی گشته است.
۱۰. آیات ۲۹ و ۳۰، که پیوسته به نداء «يَا أَيُّهَا» می‌باشد، با نغمه کوتاه و آرام و جذبی که از حرکات کسره‌ها و فتحه‌های متوالی و تکرار یاء برمی‌آید، پیوستگی مخاطب را با مبدأ و جذب وی را می‌نمایاند؛ نفس مطمئنه در پس پرده رحمت و لطف پروردگار پنهان می‌شود و آیات بسته و سوره ختم می‌شود.
- با توجه کامل به معانی و مقاصد این آیات و قرائت صحیح و ترتیل موزون آنها، توافق، توازن، طول‌ها و الحان ده‌گانه این آیات و نمایش احوال، اوضاع، اوصاف مختلف و مرتبط آنها، آشکارا احساس می‌شود (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۸۲).

سوره مرسلات

از قسم‌های آغازین این سوره، ایقاعاتی سریع و حرکت آفرین به‌سان همان ایقاعاتی که در آغاز سوره‌های عادیات، نازعات، ذاریات و صافات وجود دارد، شنیده می‌شود. قسم‌های آغاز سوره مرسلات، در آغاز مجموع پنج سوره‌ای که نام آنها ذکر شده، دیده می‌شود.

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا * فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا * وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا * فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا * فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا *

غُذْرًا أَوْ نُذْرًا (مرسلات: ۱-۶)

هر چند در آهنگ سوره صافات به دلیل وجود دو تشدید و مدّ لازم قبل از آنها^۱، نمود حرکت در مقایسه با چهار مورد دیگر کمتر است^۲، اما در همه سوره‌های مورد بحث از پدیده‌هایی متحرک و دارای سرعت و شتاب یاد شده است.

جواب قسم‌های سوره مرسلات یک جمله است:

إِنَّمَا تُوَعَّدُونَ لَوَاقِعُ (مرسلات: ۷)

همچنین آهنگ این جمله، نظیر آهنگ جواب قسم در آیه ۵ سوره ذاریات^۳ و آیه ۷ سوره طور^۴ است که در آنها نیز مانند همین سوره با موضوع قیامت و اوصاف آن آغاز می‌شود. الفاظ این سه آیه نیز تا حد زیادی دارای تشابه هستند.

در ادامه سوره مرسلات می‌آید:

فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ ❖ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ❖ وَإِذَا الْجِبَالُ سُفِفَتْ ❖ وَإِذَا الرَّسُلُ أُنْتَبِتَتْ ❖ لَأَيَّ يَوْمٍ

أَجَلَتْ (مرسلات: ۸-۱۲)

ایقاعات فوق به حروف کشیده و القاکننده مفهوم حرکت ختم می‌شوند و مفهوم سکون را القاء می‌کنند. سکون و توقف در همه چیز و در گردش عالم به شکلی که برای تبدیل آن به صورتی دیگر در روز جدایی است:

يَوْمِ الْفُضْلِ ❖ وَمَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمِ الْفُضْلِ (مرسلات: ۱۳-۱۴)

ایقاع این دو آیه، متفاوت از مفهوم دو آیه قبل و سنگین است و القاکننده فصل بین دو قسمت قبل و بعد خود است. آیات بعد سیری اجمال در تاریخ و اشاره‌ای برق‌آسا به سنت الهی در نابودی مجرمان دارد و پس از آن تصویر پیاپی صحنه‌های خلقت انسان ذکر می‌شود.

آیه «وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» (مرسلات: ۲۴) آهنگ سوره را در قسمت مورد بحث قطع می‌کند و

از آن پس آهنگی جدید آغاز می‌شود:

۱. وَالصَّافَّاتُ صَفًا (صافات: ۱).

۲. این مسئله با صف بستن دارای تناسب است؛ سوره صافات از «صف بستن» سخن می‌گوید. اما این صف بستن، صف بستن رکون و سکون نیست، بلکه صف بستن از نوع دامن همت به کمر بستن برای امربری و فرمان‌برداری است؛ صف بستن از نوعی که «شیاطین» را از حوزه و حیطه آن دور می‌کنند و بر مقصود و هدف آن دوباره در اواخر سوره تأکید می‌شود: وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ ❖ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ (صافات: ۱۶۵-۱۶۶)؛ نگاه طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷: ۱۲۱-۱۲۲.

۳. إِنَّمَا تُوَعَّدُونَ لِصَادِقٍ.

۴. إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ.

بررسی نظم آهنگ هجده سوره از قرآن کریم ❖ ۲۰۵

❖ سال شانزدهم، شماره سی‌ام، تابستان ۱۳۹۴

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ❖ أَحْيَاءَ وَ أَمْوَاتًا ❖ وَ جَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَ أَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا
(مرسلات: ۲۵-۲۷)

این آیاتی برشمارنده نعمت‌های الهی در دنیا و براهینی بر قدرت او در برپایی آخرت هستند. این آیات از نو، دارای ایقاع حرکت، پویایی و دارای همانندی با آیات سوره بعد از مرسلات - نبأ - است:
أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا ❖ وَ الْجِبَالَ أَوْتَادًا ❖ وَ خَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا (نبأ: ۶-۸)

آیه «وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» از نو در میان آیات سوره مرسلات فاصله می‌اندازد و تصویری جدید به همراه آهنگی مهیب در برابر سمع و نظر مجسم می‌سازد:

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ❖ انْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ ❖ انْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ ❖ لَا ظَلِيلٍ وَ لَا يُعْنِي مِنَ اللَّهَبِ ❖ إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ ❖ كَأَنَّهُ جِمَالَةٌ صُفْرٌ ❖ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
(مرسلات: ۲۸-۳۴)

آهنگ سوره، بر اثر ختم کلمات به حروف ماقبل ساکن (قصر، صفر) و ایجاد سکون‌های متوالی ناشی از وقف بر سر آیات دوباره سختی و شدت می‌یابد و خلاق را نشان می‌دهد که در لحظه سخت و دهشت بار حسابرسی، طاقت چاره‌اندیشی و حتی سخن گفتن^۱ از آنان سلب شده است. به‌زودی داستان اهل بهشت، پایان حسابرسی متقین و برخورداری آنان را از الوان نعمت نشان می‌دهد^۲ بی‌آنکه از سرنوشت نهایی «مجرمون» سخنی باشد. گویی این گروه در پایان سوره به مصداق «وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَأَكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ» (جاثیه: ۳۴) به فراموشی سپرده می‌شوند و آنچه تا پایان سوره و به‌صورت متوالی چندین بار شنیده می‌شود، آهنگ مخصوص «وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ»^۳ است و سوره مرسلات پایان می‌پذیرد.

سوره نساء قصری (طلاق)

نظری در آهنگ سوره طلاق و مقایسه آن با سوره‌های متعددی که قبل و بعد آن وجود دارند، بیانگر آهنگ بسیار سنگینی می‌باشد که بر سراسر این سوره سایه افکنده است. وفور

۱. مرسلات: ۳۵.

۲. مرسلات: ۴۱-۴۴.

۳. مرسلات: ۴۵، ۴۷ و ۴۹.

حروف مشدّد و برخوردار از صفت شدّت، حالت انفجاری و غنه‌های مکرّر سنگین در عبارات مطمئن و واژگانی نظیر «طَلَقْتُمْ، فَطَلَقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ، لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ، فَأَمْسِكُوهُنَّ، أَوْ فَارِقُوهُنَّ، فَعِدَّتُهُنَّ، أَسْكِنُوهُنَّ، وَلَا تَضَارُوهُنَّ لِتَضَيَّقُوا عَلَيْنَهُنَّ، فَانْفِقُوا عَلَيْنَهُنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ، فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ، وَ عَدَّتِبَاهَا عَذَابًا نَكْرًا، وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَنْزِلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ» آشکار است.

تمام آیات این سوره به الف کشیده ختم می‌شوند و حروف ماقبل تمام حروفی که در پایان آیه‌ها، صدای کشیده می‌گیرند، ساکن‌اند: «أَمْرًا، قَدْرًا، يُسْرًا، أَجْرًا، أُخْرَى، يُسْرًا، خُسْرًا».

روشن است که چنین حالتی، آهنگ سوره را سخت و سنگین می‌کند. در این بین، تنها یک واژه از حالت مزبور مستثنی است که آن نیز تناسب موسیقایی زیبایی دارد؛ واژه «مَخْرَجًا» در پایان آیه دوم راه خروج از این فضای سنگین را نشان می‌دهد.

عبارت قبل و بعد «مَخْرَجًا» دو عبارت بسیار روان‌اند؛ از همان عباراتی که بعدها امثال خلیل‌بن‌احمد از آن‌ها وزن عروضی استخراج کرده‌اند:

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ (طلاق: ۴)

مَخْرَجًا (طلاق: ۲)

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ (طلاق: ۳)

فعولن، فعولن، فعولن، فعول

سوره‌های دیگری در قرآن وجود دارند که آیات آنها نیز به الف کشیده ختم می‌شوند، لکن به سبب متحرک بودن حروف ما قبل الف پایانی، سنگینی‌ای از نوع سنگینی آهنگ سوره طلاق بر آنها سایه نیافکنده و آهنگ آنها روان است؛ سوره‌هایی همچون «مریم»، «فتح» و «جن» نمونه‌هایی از این باب‌اند. آیات زیر که برای نمونه آورده شده است آهنگی متناسب با مضمون رحمت، فتح و فیروزی آن سوره‌هاست:

ذِكْرُ رَحْمَةِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا ﴿٢٠﴾ إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا (مریم: ۲-۳)

قُلْ أُوْحِي إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (جن: ۱)

در سوره طلاق ۱۱۳ مورد حرف مشدّد وجود دارد، درحالی‌که در دو سوره قبل و بعد این سوره که از حیث حجم نیز با آن برابرند، این میزان به‌طور تقریبی به نصف یا کمی بیشتر از آن^۱

۱. در سوره تغابن ۵۹ مورد و در سوره تحریم ۷۱ مورد وجود دارد.

می‌رسد. در دیگر سوره‌های قبل و بعد نیز وضعیتی کم و بیش مشابه وجود دارد.

لحن آیات مربوط به طلاق در سوره بقره^۱ نیز به سختی و شدتی است که در سوره طلاق

دیده می‌شود:

وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ...، وَبَعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ... فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ... فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ، وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبُغْنَ أَجْلَهُنَّ فَأُمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَخٍ مِّنْ مَّعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا...، وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبُغْنَ أَجْلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ (بقره: ۲۲۸ و ۲۳۰-۲۳۲)

در آیه «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره: ۲۲۹)، فعل نخست از باب افتعال است و حسب ظاهر باید در عبارت بعدی که در اصطلاح، کبرای قضیه است، فعلی از همین باب استفاده شود، لکن به جای آن از باب تفعّل (يَتَعَدَّى) استفاده شده و این آهنگی سنگین‌تر به آیه بخشیده است.

مرحله بعدی، تدبّر و مقایسه هر چه بیشتر این آیات و آیات سوره مبارکه طلاق و نیز آیاتی است که راجع به همین موضوع در سوره نساء آمده‌اند و متدبّر را به قیودی رهنمون خواهند شد که خداوند برای امر طلاق قرار داده است. ذات خداوندی در خلال این آیات، بسیار دعوت به تقوا، مراعات حدود الهی، توکل و صبر هنگام سختی می‌کند، از جایگزین شدن عسر با یسر می‌گوید و بر عدم تکلیف خارج از وسع تأکید می‌ورزد. چنان که برای مثال فرموده است:

وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ ﴿۱﴾ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿۲﴾ وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّكِلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ﴿۳﴾ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ﴿۴﴾ ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿۵﴾ وَ لَا تَضَارُّوهُنَّ لِضَيْقِ مَا عَلَيْهِنَّ... وَ اتَّمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ ﴿۶﴾ وَ مَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (طلاق: ۱-۷)

همه این نمونه‌ها و موارد مشابه آن در قرآن از شدت و حساسیت طلاق که «بعض الحلال»^۲ نزد خداوند

متعال است حکایت می‌کنند و راز سیطره این آهنگ سخت و شدید را بر سوره طلاق روشن می‌کنند.

۱. بقره: ۲۲۸-۲۴۲.

۲. سنن ابن ماجه، ۱۳۹۵، ج ۱، ۶۵۰.

این تدبیر مرحله سومی هم دارد که مرتبط به بخش پایانی سوره طلاق است. از آیه ۸ این سوره، موضوعی آغاز می‌شود که ممکن است در نظر اول فاقد ارتباط با موضوع عمومی سوره تلقی شود. آنجا که می‌فرماید:

وَكَايِنٍ مِّنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبُنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا ❖ فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا ❖ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا ❖ رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا ❖ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (طلاق: ۸-۱۲)

در این آیات سخن از خرابی شهرها، چشیدن عذابی غریب و از دست دادن سود و سرمایه است. با در نظر گرفتن آثار ویرانگر طلاق که ابغض الحلال و تنها به‌منظور آخرین راه چاره دانسته شده، می‌توان ارتباط این بخش را با بخش‌های دیگر بهتر لمس کرد. کلینی از امام صادق ع و ایشان از حضرت رسول ﷺ روایت کرده که فرمودند:

«هیچ چیز نزد خدای عزوجل محبوب‌تر از خانه‌ای نیست که با نکاح آباد می‌شود و هیچ چیز نزد خدای عزوجل مبعوض‌تر از خانه‌ای نیست که بر اثر طلاق ویران می‌شود»
امام صادق (ع) در دنبال سخن خویش می‌فرماید:

«خداوند امور مربوط به طلاق را به‌صورت مؤکد و مکرر فرموده و این به دلیل مبعوض بودن طلاق در نزد اوست» (کلینی، ۱۰۴۷: ج ۵: ۳۲۸).

سوره رحمان

این سوره «عروس قرآن» لقب گرفته و دارای آهنگی شاد و سریع است. از ویژگی‌های آوایی این سوره، این است که از مجموع ۷۸ آیه، ۷۶ آیه تنها به دو حرف خوش‌آهنگ «ن» و «م» ختم می‌شوند. این دو حرف در درسته‌بندی حروف خیشومی و آهنگین قرار می‌گیرند. سهم «ن» - که نخستین حرف آهنگین در زبان‌های دنیاست - در مقایسه با «م» بیشتر است. «ن» در این سوره، تنها با دو حرف کشیده قبل از خود، یعنی صدای «آ» و «او» ختم می‌شود و از صدای «ای» مانند کلمات «مؤمنین» و «مجرمین» خبری نیست.

این سوره با حجم فشرده و آیات کوتاه خود ویژگی آهنگین دیگری نیز دارد. در این سوره یکی از آیات ۳۱ بار عیناً تکرار می‌شود. این تعداد حجمی بیش از ثلث سوره را به خود اختصاص می‌دهد. در این سوره تنها دو آیه وجود دارد که حرف پایانی‌شان غیر از دو حرف «ن» و «م» است و بر آهنگ تمام سوره سایه افکنده است. این دو آیه با حرف «ر» ختم می‌شوند:

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ❖ وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ (رحمان: ۱۴-۱۵)

این دو آیه به آفرینش انسان و جن می‌پردازند؛ همان «تَقْلَانِ» و دو گروهی که خطاب کلی سوره به آنان است و در واقع، سیر و دور سوره، دایره در مدار «تثنیه» و ذکر این دو گروه است. آهنگ سوره به صورتی تنظیم شده است که بتواند به جن و انس خطاب کند و با افعال تثنیه، ایشان را انذار و هشدار دهد و از آنها پرسشگری کند:

سَفَرُغْ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ ❖ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ❖ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَعْظَمْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ ❖ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ❖ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ❖ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (رحمان: ۳۱-۳۶)

حال اشاره‌ای سریع به آفرینش این دو گروه در دو آیه با حرفی متمایز آمده است. سوره رحمان را از حیث تکرار یک آیه در آن و حالت حروف پایانی آیات در آن باید در قرآن کریم منحصر به فرد خواند. جدا از آیه مذکور، در این سوره فشرده، چندین واژه و عبارت دیگر نیز وجود دارند که در پایان آیات تکرار می‌شوند و آیات را روی هم می‌اندازند، بدین معنا که میان آنها نوعی هم‌پوشانی و هماهنگی ایجاد می‌کنند و فضای سوره را هر چه آهنگین‌تر می‌سازند. همچنان که گفته شد، آیات نخست هر چند همگی به «ن» ختم می‌شوند، اما طول آنها به تدریج افزایش می‌یابد و موجد نوعی تنوع آهنگین می‌شود:

الرَّحْمَنُ ❖ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ❖ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ❖ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ❖ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ❖ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ❖ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (رحمان: ۱-۷)

با وجود همه تکرارهایی که در این سوره وجود دارد، تصریفات فراوانی نیز در سخن سوره به چشم می‌خورد و ملال و یکنواختی را از آهنگ سوره می‌زداید. بیشتر آیات سوره به حرف «ن» ختم می‌شوند، اما همین خاتمه با حرف «ن» با اشکال و صور گوناگونی آمده است و آیات سوره به ترکیبات صامت و مصوت ذیل ختم می‌شوند: آن، اون، این، شأن و آن:

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ﴿۱۷﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (رحمان: ۱۷-۱۸)؛
يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (رحمان: ۲۹)؛
فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ (رحمان: ۳۹).

و آیه‌هایی که آهنگ پایانی آنها بسیار نزدیک به هم است:
يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آن (رحمان: ۴۴)

مُتَّكِنِينَ عَلَى فُرْشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ (رحمان: ۵۴)

و آیه‌هایی که برخی الفاظ و عبارات آنها با هم دارای تطابق و همپوشانی است:
وَ بَيْتِي وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (رحمان: ۲۷)
تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (رحمان: ۷۸)
فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ (رحمان: ۳۹)

فِيَهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّهُنَّ إِنَّسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (رحمان: ۵۶)
لَمْ يَطْمِئِنَّهُنَّ إِنَّسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (رحمان: ۷۴)

فِيَهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ (رحمان: ۷۰)

مُتَّكِنِينَ عَلَى رُفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ (رحمان: ۷۶)
وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ (رحمان: ۴۶)

وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانٍ (رحمان: ۶۲)

آیه‌هایی که به مدّ و نون مشدد ختم می‌شوند و آیه‌ای بسیار کوتاه که مدّ و میم مشدد در
وسط آن، آوایی خوش و آهنگی کشیده به آن داده است:

مُدْهَامَّتَانِ (رحمان: ۶۴)

و دو آیه‌ای که علاوه بر دو آیه بالا (آیه‌های ۲۷ و ۷۸) به حرف میم ختم می‌شوند:
وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (رحمان، ۱۰)

يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ (رحمان، ۴۱)

سوره فتح

این سوره که درباره «فتح مبین» و «نصر عزیز» است و از دسترسی به غنایم و ورود به مسجدالحرام سخن می‌گوید، دارای آهنگی بسیار پویا و بانشاط است. به طوری که کسی نمی‌تواند طرب انگیزی و حرکت آفرینی آهنگ سوره را هنگام شنیدن - هرچند معنای آن را نداند - انکار کند:

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ﴿۱﴾ لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿۲﴾ وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا (فتح: ۱-۳)

تمامی آیات این سوره به الف کشیده ختم می‌شوند و شروع آن با عبور سریع و پیاپی حرکات همراه است. این حالت در جاهای مختلف سوره و اواخر آیات به چشم می‌خورد و در مجموع آهنگ طرب‌انگیز پیروزی را پس از آهنگی سنگین به گوش می‌رساند که بر سوره محمد^(ص) (قتال) - در مجاورت آن - سایه افکنده است.

سوره محمد^(ص)

نام دیگر این سوره «قتال» و موضوع آن، پیرامون جهاد با کفار، جدیت در اطاعت از رسول اکرم^(ص) است که رهبر و فرمانده و انفاق‌کننده در راه خدا برای پیشبرد دین الهی می‌باشد. این سوره دارای آهنگی بسیار سنگین است؛ آهنگی خاص که مجسم‌کننده «اوزار حرب» (بارهای سنگین جنگ، آیه ۳) می‌باشد. وجود ضمائر جمع غایب و مخاطب در فواصل آیات، باعث شده همه آیات - غیر از دو آیه ۱۰ و ۲۴ - به میم ساکن (هم - کم) ختم شوند و این سوره ۳۸ آیه‌ای، در قرآن جایگاهی منحصر به فردی از این حیث بیابد:

الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ﴿۱﴾ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ أَصْلَحَ بَالَهُمْ ﴿۲﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَ أَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ ﴿۳﴾ فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبِ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثْخَتْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَانَ فِإِمَامًا مِمَّنْ بَعْدَ وَ إِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَ لَكِن لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ ﴿۴﴾ (محمد: ۱-۶)

آیات بالا با دو خبر و بیان دو حکم و سنت الهی آغاز می‌شوند و و پس از بیان وجه تعلیلی از این دو حکم وارد موضوع قتال می‌شوند. افزایش تدریجی طول آیات در سخن بالا با توجه به همین معانی قابل توجه است.

دو آیه از مجموع آیات این سوره به الف کشیده ختم می‌شوند که یکی برای تحریض بر سیر در زمین و تأمل و عبرت گرفتن از سرنوشت کسانی است که پیش از آنان (کفار) زندگی می‌کرده‌اند و دیگری برای تحریض بر تأمل و تدبّر در قرآن کریم است.

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا (محمد: ۱۰)
أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا (محمد: ۲۴)

نتیجه‌گیری

تحقیقی که گذشت، کوشید به این پرسش‌ها پاسخ بدهد؛ از آهنگ و موسیقی کلام، سخن گفت و برای سخن گفتن در این زمینه، مباحث مربوط به موسیقی کلام و فیزیک حروف و نقش آن‌را در تولید صوت و آوا و زایش معنا مد نظر قرار داد.

در بررسی صورت‌گرفته، دیده شد که حروف هجا بر اساس مخرج خود از دستگاه صوتی و میزان و نحوه صرف نیروی صوتی، تولید و از یکدیگر تمیز داده می‌شوند و میان صفات حروف و میزان و کیفیت نیرویی که در این زمینه آزاد و تولید می‌شود و معنای برآمده از حروف، تناسبات و ارتباطات قابل توجهی وجود دارد. وضوح و میزان این ارتباط و تناسب در همه موارد و در همه کلمات زبان‌ها یکسان نیست؛ اما در عین حال، این میزان به حدی هست که نمی‌توان آن‌را نادیده گرفت و از آن غفلت کرد.

تناسب لفظ و معنا، امری فطری است و تقریباً میان الفاظ و معانی همه زبان‌های دنیا وجود دارد. قرآن، کتاب علم و حکمت، دانشنامه پروردگار علیم و حکیم و کلام خداوند جان و خرد، خداوند جان‌آفرین و حکیم سخن در زبان آفرین است. فطری بودن زبان قرآن و دست‌نخورده بودن آن از زمان نزول تا حال، زمینه مهمی برای کشف و توسعه دانش برآمده از قرآن و زمینه و انگیزه مهمی برای بررسی نظم‌آهنگ قرآن است.

برای مقاله حاضر، هجده سوره قرآن کریم بررسی شد. آنچه در این زمینه گذشت، تنها نمونه‌هایی در این وادی بود و روشن است که با بررسی‌های دقیق‌تر و احصا و استقصایی جامع‌تر می‌توان به داده‌های روشن‌تر و فزون‌تری در این زمینه دست یافت.

شایسته نیست که موضوع موسیقی صوت را تنها به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای بررسی کرد، بلکه بایسته و شایسته است که درخصوص الفاظ و عبارات قرآن کریم در این زمینه در لابراتوارهای

مرتبط و متخصص بررسی‌های دقیق‌تر فنی انجام شود و نتایجی که در این زمینه از ارتباط میان لفظ و معنا به دست می‌آید، در اختیار علاقه‌مندان گذاشته شود.

برخی از متخصصان دانش‌های هوش مصنوعی و زبان‌شناسی محاسباتی به نگارنده اظهار داشته‌اند، از طریق تحلیل‌های رایانه‌ای و داده‌پردازانه صوت و آوای زبان قرآن، می‌توان توقیفی بودن زبان قرآن، عدم تحریف و منحصر به فرد بودن آن را به روشنی اثبات کرد. البته، این امر نیازمند امکاناتی مالی و فنی به نسبت بالایی است. امید است این امکان پدید آید و هرآنچه در این زمینه در حال حاضر ممکن و مقدور است، چه به صورت تبیین نظری و چه به شکل اثبات عملی، به دست اساتید ارجمند عملی شود.

قرآن کریم، اساس دانش و اندیشه اسلام و به عبارتی همه چیز آن است و همه چیز قرآن، «لسان عربی مبین» آن است و آنچه از آثار هدایت و شفا و رحمت نیز که بر قرآن مترتب و وعده آن داده شده است، در پس همین ظاهر سترگ و زبان ارجمند قرار گرفته است. همین زبان است که با جسم و جان انسان‌ها برخورد می‌کند و آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زبان قرآن را همگان در طول تاریخ، به سان زبان‌های دیگر، ابتدا با «آهنگ» آن شناخته‌اند. نظم موسیقایی سخن قرآن، حاوی آثار و پیام‌ها و پیامدهای فراوانی است که بحث درباره آنها نیازمند مجال دیگری است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن يزيد القزويني (۱۳۹۵). *السنن*. بيروت: دار احياء التراث العربي.
- ابن جزري، محمد بن محمد (بی تا). *النشر فی القرائات العشر*. بيروت: دارالکتب العلمیه.
- الحاج صالح، عبدالرحمان. *المدرسه التخلیلیه الحدیثه و الدراسات اللسانیه الحالیه فی العالم العربی*. الجزایر: دانشگاه الجزایر.
- الخفاجی، تومان غازی (۲۰۱۲). *البنی اسلوبیه فی سورۃ الشعراء*. دمشق: تموز للطباعه و النشر.
- الخلیمشی، حوریه (۱۴۳۱). *الدار العربیة للعلوم نائسون، ترجمه النص العربی القديم و تأویله عند ریجیس بلاشر*. بیروت: دار الامان، رباط.
- خیام، عمر بن ابراهیم (۱۳۸۴). *رباعیات (رباعیات کامل خیام نیشابوری، چهار زبانہ: فارسی، انگلیسی، آلمانی، فرانسه)*. تهران: بهزاد.
- رافعی، مصطفی صادق (۱۳۶۱). *اعجاز قرآن و بلاغت محمد*، ترجمه: عبدالحسین ابن الدین، تهران: بنیاد قرآن.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۶). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفه.
- فورر، ویلی و آنسلم لائوبر (۱۳۵۶). *آکوستیک در معماری*. ترجمه: غلامعلی لیاقتی، دانشگاه ملی ایران.
- قطب، سید (۱۴۱۵). *التصویر الفنی فی القرآن*. دار الشروق، بیروت: بی تا.
- قطب، سید (بی تا). *فی ضلال القرآن*. بیروت: بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷). *الکافی*. به تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- محمود، مصطفی (بی تا). *القرآن*. محاوله لفهم عصری، دارالمعارف قاهره.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۶). *التمهید فی علوم القرآن*. قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- نوفل، عبدالرزاق (۱۳۴۹). *قرآن بر فراز اعصار*، ترجمه ابوالفضل بهرام پور و محمود شکیب، مقدمه یحیی نوری، تهران: چاپخانه حیدری.

- Dell, François, Daei Hirst et Jean-Roger Vergnaud (1984). *Forme sonore du langage- Structure des représentations en phonologie*, Hermann, Paris.
- Galichet, Georges (1967). *Physiologie de la langue française*, Presse universitaire de France, Paris.
- Kristeva, Julia (1974). *La révolution du langage poétique*, Seuil, Paris.

۲۱۵ ❖ بررسی نظم آهنگ هجده سوره از قرآن کریم

❖ سال شانزدهم، شماره سی‌ام، تابستان ۱۳۹۴

Nattiez, Jean-Jacques(2010). *La musique, les images et les mots – Du bon et du moins bon usage des métaphores dans l'esthétique comparée*, Fides, Québec.

P. Bouton(1971). *Discours physique du langage*.Rivière, Philipe; Danchin, Laurent, *Linguistique et culture nouvelle*, Éditions universitaire, Paris.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی